

مصدق و نهضت ملی شدن نفت

امین خانی^۱

چکیده

مصدق از شخصیت‌های تأثیرگذار در تاریخ ایران معاصر است که در دوره‌ی نخست وزیری اقدامات و اصلاحات مهمی داشته است. او اولین سیاست‌مدار خاورمیانه بود که با ملی کردن صنعت نفت پرچم مبارزه اقتصادی با قدرت‌های استعماری را بر افراشت. او به طرق مختلف سرمشقی برای سران ملی‌گرای دیگر همچون جمال عبدالناصر بود و در این مسیر طرفداران زیادی پیدا کرد که البته مخالفان داخلی و خارجی نیز داشت. از جمله نیروهای مؤثر طرفدار مصدق در این برهه تاریخی، جبهه ملی بود. که در راستای اهداف مشترکی متشکل از گروه‌های مختلف ظهور یافت. ارتباط و پیوند این گروه‌ها و سپس اختلاف و جدایی آن‌ها از هم، در تصمیمات و اقدامات نخست وزیر مصدق تأثیرگذار بود. مصدق با رهبری نهضت ملی، مبارزه علیه استعمار و سپس استبداد داخلی را شروع کرد، دشمنان خارجی وی از جمله انگلیس و آمریکا به منظور منافع نفتی و اقتصادی و دشمنان داخلی وی به خاطر منش دموکرات و ضد استبدادی و انجام اصلاحاتش با وی برخورد کردند. بر این اساس، این پژوهش به دنبال بررسی اقدامات مصدق و جبهه ملی در ملی‌شدن صنعت نفت و دلایل شکست این نهضت می‌باشد و با مرور و تحلیل بخشی از دوره ملی‌شدن نفت و در واقع تشکیل جبهه ملی و نقش مصدق، مبارزات و خواسته‌ی مردم ایران در این دوره بیان می‌شود و به شناخت بیشتری از جریانات و اهداف بازیگران عرصه سیاست خواهیم رسید.

واژه‌های کلیدی: جبهه ملی، مصدق، احزاب، کودتا.

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ دانشگاه خوارزمی Aminkhani655@gmail.Com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۶/۰۸

دوران ملی شدن صنعت نفت چنان حجمی از شخصیت‌ها، وقایع و تحولات سیاسی را در خود جای داده است که به پژوهشگران تاریخ امکان می‌دهد تا از زوایا و منظرهای گوناگون به بررسی و تجزیه و تحلیل این دوران بپردازند. ویژگی‌های شخصیتی هر یک از بازیگران دوره نهضت ملی به تنهایی یا نحوه ارتباط آن‌ها با یکدیگر و سیر تغییر و تحولات در آن، شکل‌گیری جبهه‌های سیاسی و فکری مختلف و ائتلاف‌ها و گسست‌های آن‌ها، نقش نیروهای سیاسی خارجی در این دوران، تعامل‌ها و تقابل‌های قدرت‌های خارجی و ده‌ها موضوع و مسئله دیگر در این دوران باعث شده است تا فضایی گسترده برای بحث و فحص پیش روی محققان و علاقه‌مندان به تاریخ گشوده شود. در این میان تلاش برای مبرا ساختن چهره‌ها و شخصیت‌ها از نقص‌ها و نقصان‌ها، خطاها و اشتباهات و در مقابل، ارائه تصویری قهرمان‌گونه از افراد، جزئی جدایی‌ناپذیر از بسیاری تحلیل و تفسیرهای مربوط به این دوران به شمار می‌آید که البته خوانندگان نکته‌سنج و حقیقت‌جو هیچ‌گاه فکر و ذهن خود را تسلیم چنین تفسیرهای جهت‌دار و آغشته به احساسات و تعصبات نکرده و نمی‌کنند. مصدق که از دوازده سالگی گام در امور دیوانی نهاد، شخصیتی است که بیشترین نگاه‌های مثبت و منفی را متوجه خود ساخته و به خاطر اهمیت دوران ملی شدن صنعت نفت، کمتر سالی است که چندین عنوان کتاب و ده‌ها مقاله و پایان‌نامه در این رابطه انتشار نیابد. در حالی که ایرانیان پس از سالیان درازی چشیدن طعم تلخ استبداد و استعمار، چشم‌اندازی امیدبخش و روشن را پیش روی خود مشاهده می‌کردند و گام‌های نخستین را نیز با قدرت و صلابت در این راه برداشته بودند. «جبهه ملی» به رهبری مصدق در مجلس شورا و مطبوعات و اجتماعات مردمی، خواستار ملی شدن صنعت نفت شد و این خواسته پس از قتل رزم



آرا تحقق یافت. روش ما در این مقاله روش تاریخی-تحلیلی است که پس از مراجعه به منابع (کتاب، مقالات و مجلات) اطلاعات را جمع آوری کرده و سپس به تجزیه و تحلیل آن‌ها با منطق تاریخی می‌پردازیم.

نگاهی اجمالی بر زندگانی مصدق

دکتر مصدق از مردان معروف سیاسی ایران و چهره‌ای تاریخ ساز است. (مشیر، ۱۳۷۸: ۱۷۲)، در سال ۱۲۶۱ شمسی در محله سنگلج شهر تهران پای به عرصه وجود نهاد (شمشیری، ۱۳۸۱: ۱)، تحصیلات اولیه خود را در شهر تهران به اتمام رسانید. سپس برای ادامه و پیگیری تحصیلات عالی در سال ۱۲۸۷ به پاریس سفر نمود. او در این شهر توانست دوره مدرسه علوم سیاسی را به اتمام رساند. وی برای کسب مدرک دکتری در رشته حقوق وارد دانشگاه نوشاتل سویس گردید و پس از گرفتن مدرک و اتمام تحصیلات به ایران بازگشت.

با نگاهی به کارنامه سیاسی وی و بررسی خدمات و اشتباهاتش، سنگینی کفه‌ی خدمات وی بسیار بیشتر از خطاهایش خواهد بود. او را می‌توان قهرمان ملی‌گرایی و مبارزات ضداستعماری در ایران معاصر دانست و الگوی حکومتی‌اش بر سه پایه ایران دوستی، استقلال و مردم‌سالاری قرار داشت (میلانی، ۱۳۹۳: ۸۶).

مصدق به بسیاری از پست‌ها و مشاغل حساس سیاسی چون وزیر عدلیه (۱۲۹۸)، استانداری فارس (۱۲۹۹)، وزیر مالیه (۱۳۰۰)، والی آذربایجان (۱۳۰۲)، وزارت خارجه (۱۳۰۲) و نمایندگی در مجلس پنجم و ششم دست یافت و شهرت خود را به عنوان سیاست‌مداری فسادناپذیر و صریح‌افزایش داد. (آبراهامیان، ۱۳۹۳: ۶۷) بعد از دوره رضا شاه، مصدق با مجلس چهاردهم به سیاست بازگشت و در میان چهره‌های دینی و زمینداران ثروتمند رتبه اول را کسب کرد، نطق‌های پی‌در پی وی شهرت ملی‌اش را بیشتر کردند. او به شاه هشدار می‌داد که اگر وارد سیاست شود، در آن



صورت باید مسئول باشد و اگر مسئول است پس باید بتواند پاسخگو باشد. (همان: ۷۰) در دوره‌ی نمایندگی خویش، طرح تحریم نفت را در آذر ۱۳۲۳ به مجلس پیشنهاد کرد و به تصویب رساند که براساس آن هیچ یک از مقامات دولتی نمی‌توانستند بدون اطلاع مجلس بر سر نفت ایران با کشورهای خارجی مذاکره و قرارداد امضا کنند. در ۵ اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۰ با تکیه به رأی اعتماد اکثر نمایندگان مجلس به نخست‌وزیری رسید، اما با این حال تمامی دستگاه دولتی را در کنترل خود نداشت. او فقط رهبر یک جنبش سیاسی دموکراتیک و رئیس یک هیئت دولت مستقل بود، یعنی در مساعدترین اوضاع نیز، تنها یکی از ارگان‌های دولت را در اختیار داشت، سایر بخش‌ها در دست عمال و نهادهای استبداد بود که برای حفظ منافع خود با قدرتهای دیگر، علیه نهضت ملی توطئه می‌کردند و همانگونه که خود می‌گوید با دستگاهی کار می‌کرد که زیر نفوذ استعمار بود. (مصدق، ۱۳۶۵: ۲۷۲) مخالفین وی، شاه و دربار، زمینداران، امرای ارتش، حزب توده، برخی علما، بریتانیا و آمریکا بودند که هر کدام آن‌ها در مقاطع خاصی شروع به مخالفت کردند و در روزهای پایانی متحد شدند. مصدق در مصاحبه‌های خود و در نطق‌ها، در زمان نخست‌وزیری که اکثراً با عنوان هموطنان عزیز آغاز می‌شد (رحمانی، ۱۳۸۵: ۸۹) خود را نخست‌وزیر ملت می‌دانست و نه نخست‌وزیر مجلس و یا شاه، چه او می‌دانست که ملت با اوست و منتخب آن‌هاست. نخستین اقدام دکتر مصدق پس از معرفی کابینه، اجرای طرح ملی شدن صنعت نفت بود. هدف اصلی او استقلال ایران و کوتاه کردن دست قدرت‌های خارجی بود و با اعلام تز سیاست موازنه منفی (عدم پیروی از شرق یا غرب)، به مبارزات ملت ایران سمت و سوی مردمی داد و دست بیگانگان را از دخالت در امور کشور و تسلط بر منابع و ثروت‌های ملی و فرهنگی قطع نمود مصدق می‌گوید «همیشه گرفتاری‌های ایران را



بیگانگان ایجاد کرده‌اند، همه چیز با آن یونانی آغاز شد، مقصودم اسکندر است». (نجمی، ۱۳۷۷: ۱۷۸) به باور دولت مصدق تا زمانی که نفت ایران در اختیار انگلیسی‌ها بود، استقلال ایران محقق نمی‌شد. زمانی که بیشتر ایرانیان در فقر به سر می‌بردند، یک شرکت انگلیسی که مالک عمده آن دولت انگلیس بود، حق انحصاری بسیار سودآوری در زمینه استخراج و فروش نفت ایران داشت. ثروتی که از زیر خاک ایران جاری می‌شد، نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ بریتانیا به عنوان قدرت جهانی داشت. این بی‌عدالتی، ایرانیان را به سختی فرسود. و موجب شد به مصدق روی بیاورند که بیش از هر رهبر سیاسی دیگر، خشمشان را علیه شرکت نفت انگلیس - ایران، وحدت بخشید و قول داد شرکت را از ایران اخراج، ذخایر عظیم نفتی کشور را احیاء و ایران را از سلطه قدرت‌های بیگانه آزاد کند و پس از آن به دنبال اقتصاد بدون نفت بود (رضا قلی، ۱۳۸۵: ۱۸۶). از سوی دیگر او به دنبال برقراری یک سیستم حکومتی دموکراسی در کشور بود که مطابق با آن، شاه باید سلطنت می‌کرد و نه حکومت. و به مبارزه برای محدود ساختن مسئولیت شاه پرداخت تا او را در چارچوب یک پادشاه مشروطه جای دهد.

در طول زمامداری دولت ملی، سعی داشت صدای مردم به ایشان بازگردانده شود و اندیشه‌ی حاکمیت ملی را در عمل پیاده کند. حکومت ملی در عصر مصدق، به مفهوم

۹۳ مردم سالاری و دموکراسی و حاکمیت ملی بود، (امین، اسفند ۱۳۸۳: ۱۱) اظهار نظر مخالفین محترم شمرده می‌شد، تمرین دموکراسی جدی گرفته شد و طنین، پژواک و پاسخ هر بحث و گفت‌وگویی، آزادانه جریان یافت. الگوی مورد نظر او استقرار یک دموکراسی سکولار شبیه غرب بود که در آن شاه صرفاً یک مقام تشریفاتی داشت و قدرت فائقه در دست مردم بود که آن را از طریق مجلس اعمال می‌کردند. روزنامه‌ها را آزاد گذاشت که هر چه می‌خواستند درباره‌ی او می‌نوشتند و به شهربانی کل کشور



دستور داد، در جراید ایران آنچه راجع به شخص این جانب نگاشته می‌شود هر چه نوشته باشند به هیچ وجه نباید مورد اعتراض و تعرض قرار گیرد. (اطلاعات، ۳۰/۲/۱۱؛ ترکمان، ۱۳۷۴: ۱۶۵) آیت الله مهدی حائری یزدی در خاطرات خود می‌گوید: چیزی مصدق را شکست نداد مگر صداقت و صحت خودش، او همیشه یک حرف می‌زد چه در زندان چه در ریاست و نخست وزیری چه در وکالت (مجلس) چه در هنگام نشسته و چه هنگام ایستاده، او یک دموکرات بود و می‌خواست که واقعاً دموکراسی جایگزین دیکتاتوری شود. (سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت کمبریج، ۱۳۷۲: ۹۰) در طول زمامداریش یک ریال از اعتبار دولت بابت مخارج دفتر نخست وزیری خرج نشد و حقوق نخست وزیری را نمی‌گرفت حتی خرج ۵۰ سرباز که در آنجا بود را خود می‌پرداخت و ناهارشان را می‌داد. (خازنی، تیر ۱۳۸۹: ۱۵) اتومبیل نخست وزیری را سوار نمی‌شد. مبلغ ۲۸۰ هزار تومان را برای مدت ۲۷ ماه زمامداری‌اش از خودش خرج کرد (گفتگوی حسین مکی با روزنامه‌ی توس، ۲۸ مرداد ۱۳۷۷). اقدامات سیاسی و اجتماعی مصدق به ویژه بعد از جنگ جهانی دوم و در دوران حکومت ملی، مورد تجلیل و حمایت شخصیت‌هایی چون نهر، ناصر، لومومبا... قرار گرفت. وقتی عبدالناصر پیروزی ملت مصر در پرت سعید را در اسکندریه جشن گرفت، نهضت مقاومت ملی ایران یک قالیچه که تصویر دکتر مصدق بر روی آن بافته شده بود، به پاس این پیروزی به ملت مصر تقدیم کرد. جمال عبدالناصر آن قالیچه را در میدان آزادی اسکندریه که محل میتینگ پیروزی بود آویزان کرد و در سخنرانی خود گفت: «نخست به این مرد (دکتر مصدق) سلام می‌کنم که راه مبارزه با استعمار انگلستان را به ما یاد داد سپس به ملت مصر». (شرق ۱۵ آذر ۱۳۸۳: ۲۰، از مقاله دولتمرد چریک، محمد مهدی جعفری)

میدلتون انگلیسی مصدق را ملی‌گرایی ضد انگلیس می‌دانست که سعی داشت در ایران رنسانس به پا کند (بختیاری، بهار ۱۳۸۳: ۹) و همین باعث شد با دخالت آمریکا و انگلیس سرنگون شود و طیفی از مردم ایران با استعمار همکاری مستقیم و غیر مستقیم نمودند. مصدق در رویارویی با مخالفانی که با سلاح توطئه و خرابکاری علنی به میدان آمده بودند، از راه روش سیاسی خود عدول نکرد و با سرکوب کردن مخالفان و دست زدن به روش‌های غیرقانونی و غیراخلاقی سر سازگاری نداشت، اما با مخالفانی رویارو بود که در تب و تاب فرو شکستن او از هیچ راه و روشی فروگذار نمی‌کردند و خود را به هنجارهای قانونی و اخلاقی مقید نمی‌دیدند. مصدق نتوانست در کوتاه مدت اهداف بلندپروازانه‌اش را محقق سازد اگرچه دوران نخست وزیری‌اش از زمان مشروطه بدین سو، از درخشان‌ترین دوره‌ها برای رشد جامعه مدنی ایران و دموکراسی پارلمانی بود.

جبهه ملی

جنبش ملی در شرایطی پا گرفت که جامعه هنوز با آثار دیرپای عقب ماندگی دست به گریبان بود. ناآگاهی و ناپختگی سیاسی همه گیر بود. استبداد فردی از آرمانهای نهضت مشروطه چیزی باقی نگذاشته بود دوران پرشتاب پس از شهریور ۱۳۲۰ به جای پیشرفت و ثبات، ناآرامی و هرج و مرج به ارمغان آورد. از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ در کشور ۲۰ نخست وزیر به صدارت رسیدند که این خود به تنهایی نشان از اوضاع سیاسی اجتماعی کاملاً آشفته داشت. بعد از شهریور بیست در ایران به تدریج این اندیشه‌ها پا گرفت یا احیا شد: ۱. نیروهای چپ که در حزب توده انسجام یافت ۲. روحانیت و نیروهای مذهبی با طیفی وسیع که عمده آن روحانیت سنتی به زعامت آیت‌الله بروجردی بود ولی شامل افراد تندرو و سیاسی - مذهبی به رهبری آیت‌الله کاشانی نیز می‌شد ۳. نهضت ملی ایران به رهبری دکتر مصدق که از نهضت مشروطه



نشان داشت، ولی نقطه آغازین آن قطعنامه ۲۹ مهرماه ۱۳۲۶ مجلس پانزدهم بود که دولت را مکلف می‌کرد برای استیفای حقوق ملت ایران از نفت جنوب باب گفتگو با انگلستان را باز کند. حزب توده که بعد از دوره رضاشاه و در آغاز دهه بیست تشکیل گردید در ابتدا، جبهه ای دموکرات و متشکل از اشخاص و جریان‌های فکری گوناگون با مشی کمونیستی بود. جبهه ملی که در سال‌های پایانی همین دهه و در حمایت از نهضت ملی شدن نفت شکل گرفت، بینش ملی‌گرایی را سرلوحه خود قرار داد، جریان مذهبی نیز به‌رغم برخی چالش‌های درونی با تأکید بر اصل حضور مذهب در عرصه سیاست و اجتماع، گام در صحنه مبارزه نهاد.

دکتر مصدق در انتخابات دوره ۱۴ مجلس در مقام وکیل اول تهران به نمایندگی مجلس انتخاب شد. بعدها عده‌ای مدعی دیدن دست پنهان انگلیس در راهیابی مصدق به مجلس ۱۴ شدند. (سلطانی، ۱۳۶۷: ۳۸) در این مجلس برای مقابله با فشار شوروی برای گرفتن امتیاز نفت شمال ایران، او طرحی قانونی را به تصویب رساند که دولت از مذاکره در مورد امتیاز نفت تا زمانی که نیروهای خارجی در ایران هستند منع می‌شد. در انتخابات دوره ۱۵ مجلس با مداخلات قوام‌السلطنه (نخست وزیر) و شاه و ارتش، دکتر مصدق نتوانست قدم به مجلس بگذارد. (سحابی، ۱۳۸۸: ۷۷)

با برگزاری انتخابات مجلس شانزدهم، عبدالحسین هژیر، که در این زمان وزیر دربار بود، به بهانه برقراری مجلس روضه، آرای مردم تهران در مسجد سپهسالار را که محل نگهداری صندوق‌های رأی بود، مورد دستبرد قرار داد و در نتیجه، کسانی که مورد تأیید شاه بودند، از صندوق‌ها بیرون آمدند. مصدق، به عنوان نفر سی‌ام و کاشانی نفر چهلم معرفی شدند (صمدی پور، ۱۳۸۸: ۴۴) و نتوانستند وارد مجلس شوند. دخالت دربار در نتایج انتخابات، با اعتراض نیروهای ملی - مذهبی به رهبری مصدق



روبه رو گشت. گروهی از آنها، در تاریخ ۲۲ مهر ۱۳۲۸، در اعتراض به نحوه برگزاری انتخابات به دربار رفتند و کمیته بیست نفرهای به ریاست مصدق برای تحصن در کاخ تشکیل دادند. ولی پس از چهار روز بدون دستیابی به نتیجه‌ای، از تحصن دست کشیدند. (امیرعلائی، ۱۳۵۷: ۱۴۲) سپس، این افراد که حدود ۱۹ نفر بودند، به خانه مصدق رفته و پس از چندین جلسه شور و مذاکره در اول آبان ۱۳۲۸، تشکیل جبهه ملی را اعلام کردند. این جبهه، نخستین و مهم‌ترین گروهی بود که در تاریخ سیاسی ایران بر مبنای ملی‌گرایی در روز دهم آبان ۱۳۲۸ رسماً اعلام موجودیت کرد (سفری، ۱۳۸۰: ۲۹۹-۳۰۰). مصدق، به عنوان رهبر معنوی جبهه شناخته شد و مقام دبیر جبهه به حسین مکی واگذار شد.

چندماه بعد اساس نامه‌ی جبهه منتشر شد که خواهان عدالت اجتماعی، اجرای قانون اساسی و الغای قانون حکومت نظامی، انتخابات آزاد، آزادی بیان و بهبود وضع اقتصادی بودند (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۲۳۹) در ۲۵ اسفند برنامه خود را اعلام کرد:

۱- اصلاح قانون انتخابات تا اینکه نمایندگان حقیقی مردم انتخاب شوند.

۲- تجدید نظر در قانون مطبوعات تا جراید بتوانند وزرای خائن و دزد را به جامعه معرفی کنند و توقیف بدون محاکمه صورت نگیرد.

۳- تجدید نظر و اصلاح نظامی تا دولتی‌ها نتوانند منتقدین به خود را بدون محاکمه زندانی کنند و بودجه نظامی را کاهش داد که مبارزه با قدرت شاه بود، هدف مصدق این بود که وظایف ارتش را به امور غیرسیاسی محدود کند. (کریمی مله، ۱۳۷۵: ۳۴)

۴- تغییر اصل ۴۸ قانون اساسی تا وکلا بتوانند آزادانه اظهار نظر کنند و مجلس در معرض تعطیلی و انحلال قرار نگیرد. (مدنی، ۱۳۶۱: ۱۸۰)



با شکل‌گیری نهضت ملی نفت در ایران بین دو قطب ملی و مذهبی، سدی قوی در مقابل استعمار خارجی و استبداد داخلی پیوند بوجود آمد. دکتر مصدق در کنار آیت الله کاشانی مبارزه علیه دخالت بیگانگان و استبداد را آغاز نمود، خصوصاً در راه ملی کردن صنعت نفت با همکاری دو نیروی مذهبی و ملی موفقیت‌های چشمگیری بدست آورد. (همان: ۴۴۹) نهضت ابتدا جنبه‌ی ضد خارجی داشت و پس از آن، تغییر ساختار سیستم سیاسی و اصلاح ساختار اجتماعی - اقتصادی، بهبود ساختار اداری و استقرار و گسترش حقوق اساسی افراد و کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه را وجهه همت خود قرار داد. (کریمی مله، علی، بهار ۱۳۷۵: ۳۱) تا حکومتی دموکراتیک مبتنی بر قانون شکل گیرد. همانگونه که مصدق در مجلس گفت: «ملی شدن صنعت نفت موجب خواهد شد که عوایدی قریب دو برابر تمام مالیات‌ها بر بودجه کشور افزوده گردد و بالتیجه سطح زندگی مردم این مملکت بالا رفته وضعیت طبقات فقیر و ناتوان بهتر می‌شود.» (نطق‌های مصدق در دوره ۱۶ مجلس، ۱۳۴۸: ۱۴۲/۱)

دکتر باوند هدف نهضت ملی را نیل به استقلال سیاسی و اقتصادی می‌داند که از نظر بین‌المللی موفق شد در دیوان بین‌المللی دادگستری و دادگاه‌های توکیو و ونیز و در شورای امنیت پیروزی نسبی به دست بیاورد و عامل ناکامی این پیروزی‌ها را هماهنگی ابزارهای داخلی و درونی جامعه‌ی ایران با منافع قدرت‌های خارجی می‌داند. (نراقی و دیگران، ۱۳۸۲: ۱۸۵) در این برهه تاریخی کوتاه، هم «فدائیان اسلام» و هم «مجمع مسلمانان مجاهد» یا «مجاهدین اسلام» در خدمت آیت‌الله کاشانی بودند. این دو گروه از توانائی‌هایی ارزشمند برای مبارزات سیاسی برخوردار بودند (رهنما، ۱۳۸۴: ۹۹).

در نامه‌ای به نواب صفوی، کاشانی نظر خود را دال بر اتحاد عملیاتی با «جبهه ملی» جهت انتخاب کاندیداهای «ملی» و نه لزوماً مذهبی ابلاغ می‌کند. صورت اسامی افراد مورد نظر کاشانی عبارت‌اند از: دکتر مصدق، دکتر مظفر بقایی، دکتر سیدعلی شایگان، سیدابوالحسن حائری‌زاده، سیدمحمود نریمان، سیدحسین مکی، عبدالقدیر آزاد. «جبهه ملی» نیز در رأس نامزدان انتخاباتی برای موفقیت آیت‌الله کاشانی فعالیت می‌کرد.. (رهنما، ۱۳۸۴: ۱۰۵)

احزاب تشکیل دهنده جبهه ملی

جبهه ملی برآیندی از احزاب، گروه‌ها و طیف‌های مخالف و منتقد دربار بود. و مرامی جز آزادی و استقلال ایران نداشتند و همه با حقوق مساوی، در راه تأمین هدف‌های سیاسی، اجتماعی جبهه ملی متحد بودند. (راستگو، ۱۳۵۷: ۱۳۶) این خواسته‌ی مصدق بود که نیاز آن روزگار ایران را نه یک حزب سیاسی که در ائتلافی آزاد از سازمان‌ها و احزاب تحت یک هدف عام می‌دانست. (آبراهامیان، ۱۳۷۰: ۲۹۹) تمکین به ائتلاف جریان‌های سیاسی مبارز از ابتکارات مصدق بود. (همدلی، ۹۴/۱۲/۱۳)

- حزب ملت ایران

بر بنیاد پان ایرانی است، در شهریور ۲۶ توسط محسن پزشکیور، حسنعلی صارم کلانی، تقی علیخانی و عاملی تهرانی و جواد تقی‌زاده ایجاد شد و داریوش فروهر نیز به دبیر کلی برگزیده شد. ایدئولوژی ناسیونالیستی (ملی‌گرایی)، ضد کمونیستی و ضد سرمایه‌داری داشتند و علت عقب ماندگی ایران را وجود سلطنت فاسد، نفوذ خارجی، روحانیت مرتجع و ملاکین آزمند می‌دانستند. (علم، ۱۳۷۷: ۱۶۱)

- حزب ایران



دیگر حزب این ائتلاف به دست گروهی از استادان دانشگاه و روشنفکرانی که اندیشه‌های ناسیونالیستی و لیبرالی داشتند مانند مهندس زیرک‌زاده، مهندس حسینی، مهندس بازرگان، شاپور بختیار، نظام‌الدین موحد، کریم سنجابی و الهیار صالح، بنیان‌گذاری شده بود، این حزب، مخالف دیکتاتوری و حاکمیت بیگانگان بود و - مانند دیگر گروه‌های دموکراتیک نسبت به حزب توده نظری دوستانه داشت. (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۱۰۹)

-حزب زحمتکشان

قوی‌ترین حزب از مجموعه احزاب جبهه ملی بود که اعضای آن را کارگران و روشنفکران چپ تشکیل می‌دادند و قدرت بسیج عمومی مردم را به نسبت قابل قبولی داشت، ولی به مرور بعد از ۳۰ تیر ۱۳۳۱ و باشدت گرفتن اختلافات بین خلیل ملکی و مظفر بقایی، دو نفر از رهبران حزب زحمتکشان، منجر به آن می‌شود که خلیل ملکی از حزب زحمتکشان اعلام انشعاب کند و یک گروه جدید با نام خط (نیروی) سوم را تشکیل بدهد. بقایی به طیف نیروهای استبدادی-استعماری پیوست و ملکی تا پایان راه وفادار به محمد مصدق باقی ماند، وقوع این انشعاب بیانگر ضعف شدید تشکیلاتی و وجود اختلافات لاینحل در نیروهای تشکیل‌دهنده جبهه ملی بود. جبهه‌ای از احزاب متحد را تصور کنید که قوی‌ترین حزبش، نه تنها از ائتلاف خارج شود که رهبر آن مظفر بقایی، در صدر مخالفان آن جبهه بایستد. خروج حزب زحمتکشان به شدت باعث تضعیف جبهه ملی شد. ریشه بیشتر این اختلافات در تقسیم پست و مقام‌ها پس از به نخست‌وزیری رسیدن دکتر مصدق بود. حتی آن‌ها خواب و خیال نخست وزیر شدن و نشستن بر مسند قدرت و قهرمان سیاسی شدن را در سر می‌پروراندند (کریمی، ۱۳۸۵: ۱۰۲).

- مجمع مجاهدین اسلام

توسط آیت‌الله کاشانی و خانواده‌اش، قنات آبادی و سه تاجر ثروتمند بازار رهبری می‌شد. این مجمع را نمی‌توان یک حزب با معنی امروزی آن دانست. ولی هر نامی که به آن بدهید، قدرتمندترین عضو ائتلافی بود که به تشکیل جبهه ملی انجامید و اعضایش اکثراً بازاریان و کارگران و روحانیون بودند. مجمع مجاهدین اسلام نفوذ گسترده‌ای میان طبقه متوسط سنتی داشت و پایبند آرمان‌ها و کردارهای دموکراتیک نبودند. (اف گود، ۱۳۸۲: ۳۰۳) در اثر بروز اختلافاتی بین آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق خصوصاً پس از قیام ۳۰ تیر سال ۱۳۳۱، این تشکل قدرتمند و دارای پایگاه اجتماعی حائز اهمیت عملاً از جبهه ملی خارج شد.

- جمعیت آزادی مردم ایران

به رهبری محمد نخشب از سال ۲۲ در مسیر مبارزه با استعمار و استبداد بود و در کنار نهضت ملی ماند، نخشب طی سال‌های ۲۳ تا ۲۹ تحت عنوان نهضت خداپرستان سوسیالیست در مبارزات سیاسی شرکت داشت.

- فداییان اسلام

با جامعه مسلمانان مجاهد همکاری داشتند و ترور هر کس را که ضد مذهب شناخته می‌شد حق خود می‌دانستند. فداییان اسلام به علت قشری بودن و عدم آگاهی‌های عمیق سیاسی در معرض تعرض دشمنان اسلام و ایران و نهضت ملی قرار گرفتند و با تحریک عوامل وابسته به سید ضیاء به جان دکتر حسین فاطمی افتادند وی را مجروح ساختند. (نجاتی، ۱۳۶۸: ۹۰)

- مجمع مسلمانان مجاهد

به رهبری شمس قنات آبادی، وابسته به آیت‌الله کاشانی و متشکل از اصناف و کسبه بود. از تیر ۳۱ به همراه کاشانی از مصدق جدا شدند، پس از کودتا این جمعیت



متلاشی و قنات آبادی که در لباس روحانیت اما جاسوس انگلیس بود (ادعایی که بیشتر از سوی نواب و حامیانش صورت می‌گرفت) به استخدام دربار درآمد- وی با حمایت زاهدی در دوره هجدهم مجلس به نمایندگی شاهرود انتخاب شد. در همان دوره با سخنرانی‌های تند موقعیت خود را حفظ کرد. در دوره نوزدهم هم با پذیرش شرط دربار (حسین علا و اسدالله علم) که خارج شدن از کسوت روحانیت بود به نمایندگی خوار و ایوانکی ورامین انتخاب شد. رژیم پهلوی این عمل وی را ستود و به مناسبت تغییر لباس، حسین علا نخست‌وزیر وقت برای وی کت و شلوار هدیه فرستاد. وی از دهه ۴۰ تا سال ۱۳۶۷ به تجارت پرداخت - (اردلان، ۱۳۸۶: ۱۲۲) بازاریان که اقشار متوسط و پایین جامعه، تجار و کسبه بودند.

دلایل فروپاشی جبهه ملی

- سازماندهی ضعیف

از جمله یکی از دلایل فروپاشی جبهه ملی سازماندهی ضعیف آن بود. حزب توده که نماینده طبقه کارگر و بخشی از روشنفکران بود خارج از جنبش باقی ماند، فرهنگ سیاسی عمدتاً غیرمذهبی جنبش نتوانست روحانیت را جذب کند، مصدق هم نتوانست مشکل نفت را با بریتانیا حل و از اختیاراتش استفاده کافی ببرد.

- ترکیب متنوع جبهه ملی شدن نفت

ترکیب فکری و شخصیتی شرکت کنندگان در جنبش ملی با اهداف گوناگون در حمایت از جبهه ملی از دیگر نکات قابل توجه است. به طوری این نیروها شامل لیبرال‌ها و محافظه کاران و مترقی‌ها و تندروها و تجددطلبان اسلامی بودند و دارای انگیزه‌های سیاسی یکسان نبودند و بیشتر به دلیل وجود دشمنان مشترک در بیرون دارای وحدت بود و با وجود فقدان دشمنان مشترک در بیرون، جبهه با بحران

موضوعیت مواجه می‌شد (کریمی، ۱۳۸۵: ۱۰۰) نزدیکی زاهدی به جبهه ملی نه به دلیل استقرار جنبش ملی نفت و تحدید اختیارات شاه، بلکه مخالفت با رزم آرا و کسب منصب جانشینی احتمالی وی بود، زیرا مصدق و یارانش نیز با رزم آرا مخالفت می‌ورزیدند، همراهی وی تاکتیکی بود در حالی که جبهه ملی به همراهی استراتژیک و مبتنی بر اعتقاد به اصول جنبش نیاز داشت. (اف‌گود، ۱۳۸۲: ۱۸۳) برخی افراد هم انفرادی کار می‌کردند و علت متحد شدنشان مصدق بود از جمله محمود نریمان، دکتر شایگان، سنجابی، بقائی، مکی، حسین فاطمی و دکتر معظمی و چند نفر دیگر که بین آنها هم اختلاف رخ می‌داد (نجمی، ۱۳۷۷: ۳۰۹). به مرور جبهه ملی دچار انشعاب شد گروه اول را کاشانی، بقایی، شمس قنات آبادی، علی زهری و ناد علی کریمی تشکیل می‌دهند و دسته‌ی دیگر فاطمی، سنجابی، حسینی، شایگان و زیرک زاده بودند، جدایی آنها باعث شد جبهه ملی از هم پاشیده شود. (خواندنی‌ها، ۱۳۳۱: ۲/۲۴)

- عدم شکل‌گیری نقطه مشترک

شاید آنچه نهضت ملی را به شکست کشاند فقط اختلافات هواخواهان نهضت نبود، بلکه ناتوانی آنها در دستیابی به نقطه مشترکی بود که بتوانند با وجود همه اختلاف نظرها بر سر آن به تفاهم برسند و اصل موجودیت نهضت را بر باد ندهند.

نهضت ملی به علت ترکیب و ماهیت خود نه فقط نمی‌توانست عامل یک تحول اساسی در کشور ما باشد، بلکه عدم تجانس در میان عناصر تشکیل دهنده آن و شکاف در رهبری آشکارا نشان می‌داد که این جبهه قابل دوام نیست و دچار انشعاب و از هم پاشیدگی شد (آذرنگ، ۱۳۸۴: ۱۶۲/۴۴) اگر نهضت ملی را از ابتدا در نظر بگیریم از زمانی که طرح ملی شدن صنعت نفت تازه مطرح شده بود می‌بینیم که این اختلافات در بینش و منش رهبران وجود داشت ولی در هدف بزرگ‌تر یعنی پیروزی نهضت و



شکست استکبار گم شده بود و همه بینش‌های خود را فدای هدف نهضت کرده بودند. ولی زمانی که نهضت به پیروزی‌هایی دست یافت، همه یاد اهداف شخصی خود افتادند. و از این زمان بود که هرکسی به فکر منافع خود به سمتی رفت. هندرسن سفیر آمریکا چنین بیان می‌کند که مخالفان جبهه ملی نظیر دربار و مالکان بزرگ کار زیادی نمی‌توانستند بکنند اما نظریات سیاسی مختلف و جاه طلبی‌های شخصی رهبران جبهه ملی، نطفه مشکلات آینده را برای این جبهه، در بطن خود می‌پروراند، بخصوص کاشانی بلندپرواز که می‌کوشد مصدق و تمام رهبران دیگر را تحت الشعاع قرار دهد و خود را به صورت صاحب اختیار کامل ایران درآورد. (علم، ۱۳۷۷: ۳۸۷)

انتخابات مجلس هفدهم بین احزاب موجود در جبهه رقابت و اختلاف ایجاد کرد. به طوری بقایای می‌گفت به همان اندازه که حزب ایران کاندید در تهران بدهند به همان اندازه به حزب زحمت کشان هم باید داده شود. آقازادگان آیت الله هم مشکل دیگر جبهه بود، جبهه بجز آقا مصطفی نمی‌خواست که دو پسر دیگر آقا را از جایی کاندید کند، کاشانی هم دچار غرور و نخوت شده بود و ادعا می‌کرد که اگر بخوام ۱۳۶ وکیل ایران را انتخاب کنم، همه مردم به آن‌ها که من می‌گویم، رأی خواهد داد. (نجاتی، ۵۷۰)

حسین فاطمی اطمینان داشت که اکثریت عمده‌ی طرفداران دکتر مصدق، انشعاب کنندگان را به عنوان خائن محکوم می‌کنند. فاطمی افرادی مانند کاشانی و بقایی و مکی را ناچیز می‌شمرد و عقیده داشت که گذشته‌ی سیاسی آنان ثابت می‌کند که آدم‌هایی فرصت طلب بوده و به لحاظ سیاسی قابل اعتماد نیستند. (نراقی و دیگران، ۱۳۸۲: ۱۸۸-۱۸۹)

نتیجه گیری

به قدرت رسیدن مصدق برخاسته از اراده‌ی ملت برای بهبود روابط سیاسی و دفع استعمار نفتی ایران و مساعد شدن وضع اقتصادی و گسترش فضای مطلوب سیاسی بود و جبهه ملی که در این راستا شکل گرفته بود در زمینه‌های مختلف داخلی و خارجی اصلاحاتی انجام دادند. به مرور به دلیل مقابله بیگانگان با نخست وزیر و پیوستن برخی عوامل داخلی به آنان و در نهایت وجود نیروهای متنوع (لیبرال‌ها، سوسیالیست‌ها و گروه‌های مذهبی) با نیت مختلف و انشعاب آنان در نهضت ملی نفت و نبود انسجام تشکیلاتی موجب تضعیف آن شد. پس از سقوط دولت مصدق فعالیت جبهه ملی ممنوع اعلام شد و بسیاری از سران جبهه ملی بازداشت شدند. باید در نظر داشت که فروپاشی جبهه ملی به معنای شکست کامل و مطلق نهضت نبود و حرکت ملت ایران به رهبری دکتر مصدق به اهداف خود هرچند موقت رسید ملی کردن نفت و خلع ید انگلیسی‌ها از شرکت نفت و رأی دادن مجامع بین‌المللی در لاهه به حقانیت ایران در تعیین سرنوشت خویش و در نهایت استقلال ایران و توانایی بهره‌برداری از صنایع نفتی از دستاوردهای بزرگ نهضت بود.



منابع

- اف گود، جیمز (۱۳۸۲). ایالات متحده و ایران در سایه مصدق، ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران: شمشاد.
- امیرعلائی، شمس الدین (۱۳۵۷). مجاهدان و شهیدان راه آزادی، تهران: دهخدا.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۳). کودتا، ترجمه ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی، چ ۴.
- _____ (۱۳۷۷). ایران بین دو انقلاب، ترجمه گل محمدی-فتاحی، تهران: نشر نی.
- آذرنگ، عبدالحسین (مهر و آبان ۱۳۸۴). «جبهه ملی ایران»، مجله بخارا، ش ۴۴.
- اردلان، محمد جواد (۱۳۸۶). «اندیشه‌ها و عملکرد شمس قنات آبادی و مجمع مسلمانان مجاهد از تأسیس تا پایان دوره نوزدهم مجلس شورای ملی»، پایان نامه کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی، استاد راهنما: غلامحسین زرگری نژاد، دانشگاه تهران: گروه تاریخ.
- ترکمان، محمد (۱۳۷۴). نامه‌های مصدق، تهران: نشر هزاران.
- راستگو، عبدالله (۱۳۵۷). فریاد خلق، تهران: مرجان.
- رضا قلی، علی (۱۳۸۵). جامعه نخبه کشی، چ بیست و ششم، تهران: غزال.
- رهنما، علی (۱۳۸۴). نیروهای مذهبی بر بستر حرکت نهضت ملی، تهران: گام نو.
- سحابی، عزت الله (۱۳۸۸). نیم قرن خاطره و تجربه، تهران: فرهنگ صبا، چ ۲.
- سفری، محمد علی (۱۳۸۰). قلم و سیاست، تهران: نشر نامک، چ ۲.
- سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت کمبریج (۱۳۷۲). ترجمه عباس مخبر، تهران: طرح نو، چ ۲.
- سلطانی، مجتبی (۱۳۶۷). خط سازش، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

شمشیری، مهدی (۱۳۸۱). زندگی نامه مصدق؛ از تولد تا پایان تحصیلات و اخذ تابعیت سوئیس، هوستون تگزاس: چاپخانه پارس.

صمدی پور، سعید (۱۳۸۸). جبهه ملی ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
علم، مصطفی (۱۳۷۷). نفت، قدرت و اصول، پیامدهای کودتای ۲۸ مرداد، ترجمه غلامحسین صالحیار.

کاتوزیان، محمد علی همایون (۱۳۷۸). مصدق و مبارزه برای قدرت در ایران، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: مرکز، چ ۲.

کریمی، بهنام (۱۳۸۵). آسیب شناسی نهضت ملی ایران، تهران: سحاب.

مدنی، سید جلال الدین (۱۳۶۱). تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

مشیر، مرتضی (۱۳۷۸). دکتر مصدق در دوره قاجار و پهلوی، تهران: کندلوس.

مصدق، محمد (۱۳۶۵). خاطرات و تألمات، به کوشش ایرج افشار، تهران: علمی.

میلانی، محسن (۱۳۹۳). «جای خالی واقع بینی استراتژی‌های سیاسی مصدق، قوت‌ها و ضعف‌ها»، ماهنامه اندیشه‌های پویا.

نجاتی، غلامرضا (۱۳۶۸). جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران و کودتای ۲۸ مرداد

۱۳۳۲، تهران: شرکت سهامی انتشار، چ ۵.

نجمی، ناصر (۱۳۷۷). دکتر مصدق بر مسند قدرت، تهران: پیکان.

نراقی، احسان و دیگران (تابستان ۱۳۸۲). میزگرد: از ملی شدن نفت تا کودتا، تاریخ

معاصر ایران، ش ۲۶.

نطق‌های مصدق در دوره ۱۶ مجلس (۱۳۴۸). ج اول، دفتر دوم، تهران: مصدق.

مجلات و روزنامه‌ها

امین، سید حسن (اسفند ۱۳۸۳). «از مصدق و نهضت ملی چه می‌توان آموخت»،
ماهنامه‌ی حافظ، ش ۱۲.

بختیاری، امیر هوشنگ (بهار ۱۳۸۳). «مصدق و اخراج انگلیسی‌ها از ایران»،
فصلنامه تاریخ روابط خارجی، ش ۱۸.

خازنی، نصرت‌الله (تیر ۱۳۸۹). «یادی دیگر از زنده‌یاد دکتر محمد مصدق»، حافظ،
ش ۷.

رحمانی، حسن (۱۳۸۵). «سیری در مناسبات سیاسی آیت‌الله کاشانی و دکتر
مصدق»، مجله یاران، یادمان آیت‌الله ابوالقاسم کاشانی، ش ۱۶.

کریمی‌مله، علی (بهار ۱۳۷۵). «تاریخ چهل‌ساله جبهه ملی»، فصلنامه پانزده خرداد،
دوره اول، ش ۲۱.

نشریات

روزنامه اطلاعات، ۳۰/۲/۱۱

روزنامه شرق، ۹۳/۱۲/۲۱

روزنامه شرق، ۱۵/۹/۸۳ ش ۳۵۸

روزنامه همدلی، ۹۴/۱۲/۱۳

روزنامه‌ی توس، ۲۸ مرداد ۱۳۷۷

مجله خواندنی‌ها، ش ۲۴، ۱۳۳۱

